

رد صلاحیت رئیس پر حاشیه دوومیدانی



پس از پایان ثبت‌نام انتخابات ریاست فدراسیون دوومیدانی صلاحیت مدیریتی ۱۳ کاندیدا مورد بررسی قرار گرفت که پنج نفر تأیید نشده‌اند. بر این اساس صلاحیت مدیریتی مجید کیهانی، رئیس سابق این فدراسیون رد شده و در توضیح رد صلاحیت او به گزارش سازمان بازرسی کل کشور از عملکردش در دوره تصدی فدراسیون و نظر وزارت ورزش مبنی بر عملکرد نامطلوب او در زمان چهار سال ریاست بر دوومیدانی آمده است. علاوه بر کیهانی صلاحیت مدیریتی کر معلی ارجی، روح، محمدی میرزایی، حبیب‌الله دستی و حمیدرضا فردین پور نیز تأیید نشده است. این افراد به مدت یک هفته فرصت دارند تا نسبت به تکمیل مدارک خود اقدام کنند تا ثبت‌نام آنها مورد بررسی مجدد قرار بگیرد.



واکنش بنا به قرارداد و یلموتس

محمد بناسر مربی تیم ملی کشتی فرنگی در مورد مبلغی که فدراسیون فوتبال باید به مارک ویلموتس سرمربی تیم ملی بپردازد، گفت: «یک سری به آرشیبو خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها بزنید، متوجه می‌شوید سال‌ها در مورد فوتبال داد زدم. خودم عاشق فوتبال هستم و هزار رفیق فوتبالی دارم ولی بی‌تدبیری‌هایی که مدیریت فدراسیون و ورزش انجام می‌دهد، ما را به اینجا می‌کشاند که باید میلیاردها تومان بیه و یلموتس بدهیم آن هم برای هیچ». وی ادامه داد: «بناظر هم حساب نکنید که این پول هاهماش حاصل بی‌تدبیری بوده بلکه بخشی دانسته و در باندهای مافیایی پرداخت و زد و بند می‌شود. وزارت ورزش باید دقت بیشتری کند تا پول‌های مان بیهوده هدر نرود. نمی‌گویم این پول‌ها به سمت کشتی بیاید، بلکه همه رشته‌ها را حمایت کنند. یلموتس به خاطر دو باختی که آورده، ۱۶۴ میلیارد پول خواهد گرفت. ایس‌ن حاصل قرارداد ننگینی است که فدراسیون تاوی باقی بسته بود.»



یزدانی در دوراهی تیم ملی و مربیگری

با اعلام آمادگی باشگاه استقلال برای حضور در رقابت‌های لیگ برتر کشتی آزاد، اظهارات متفاوتی در خصوص حضور رضا یزدانی به عنوان سرمربی یا مسئول فنی این تیم مطرح شد. البته این مساله خیلی زود از سسوی یزدانی مورد تأیید قرار گرفت که گویا او به عنوان مسئول فنی تیم استقلال در لیگ برتر کشتی آزاد حضور خواهد داشت. اما بحث مسئولیت جدید رضا یزدانی در تیم استقلال در حالی مطرح و تأیید شده که بسیاری از اهالی کشتی همچنان او را یکی از مدعیان با تجربه و توانمند وزن ۹۷ کیلوگرم تیم ملی می‌دانند. کسی که شاید بتواند با گذر از سد رقابتی جوان و با انگیزه، دوینده تیم ملی در المپیک را به چنگ آورد. اما یزدانی هنوز رسماً اعلام نکرده حضورش در کادر فنی تیم استقلال، به معنای پایان دوران کشتی گرفتن اوست. اما برخی معتقدند او باید از همین فرصت استفاده کرده و با خداحافظی رسمی از دنیای قهرمانی، میدان را به مدعیان جوان و تازه نفس بسپارد.



تکواندو کاراته حوالی اردو

پس از شیوع ویروس کرونا کلیه فعالیت‌های ورزشی در کشور تعطیل شد. اگرچه فوتبال مجوز برگزاری تمرین و برگزاری رقابت‌های لیگ در همه سطوح را دریافت کرد، ولی برای سایر رشته‌های ورزشی تاکنون هیچ مجوزی صادر نشده است. ادامه تعطیلی تمرینات به خصوص در رشته‌هایی که کسب سهمیه المپیک کرده‌اند از جمله تکواندو و کاراته که باید برای حضور در این رویداد بزرگ آماده شوند، نگرانی‌هایی را از سوی مربیان و ورزشکاران در پی داشته است. در همین رابطه امیرعباس لشگری عضو ستاد کرونا گفت: «در این رابطه طی جلسات متعدد برای رشته‌های مختلف پروتکل‌های بهداشتی جهت آغاز تمرینات و حتی در برخی رشته‌ها پروتکل‌های مربوط به برگزاری مسابقات تدوین شده و برای تأیید و اخذ مجوز به ستاد عالی کرونا رسال شده است. صدور مجوز آغاز فعالیت‌های ورزشی بر عهده ستاد عالی کروناست. این ستاد پس از بررسی شرایط کرونا در کشور، جمع‌بندی کلیه جوانب و پس از بررسی پروتکل‌های اسالی مادر این خصوص تصمیم‌گیری خواهد کرد.» در این شرایط به نظر می‌رسد به زودی شاهد از سرگیری فعالیت‌های رشته‌های مختلف ورزشی به خصوص المپیک‌ها خواهیم بود.

نه استعفا، نه عذرخواهی، نه محاکمه

رسوایی تاریخی در فوتبال!

وقتی خبر محکومیت وحشتناک فدراسیون فوتبال در پرونده مارک ویلموتس از راه رسید، مثل همیشه واکنش اهالی فدراسیون چیزی به جز تکذیب و زیر سوال بردن اصل ماجرا نبود اما همین تکذیب، کافی به نظر می‌رسید تا بدانیم ماجرا کاملاً جدی به نظر می‌رسد و فوتبال ایران، با یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های تمام تاریخش روبه‌رو شده است. قبالادو میلیون یورو به ویلموتس پرداخته ایم و حالا باید ۶ میلیون یورو دیگر به این مربی بازنده تقدیم کنیم. این رسوایی تاریخی، حاصل کار مدیرانی است که در زمان امضای قرارداد به جای مدیران حقوقی، تاجران شکر را همراه خود داشتند.



آزاد هنوز

هر چقدر که در پرونده فدراسیون فوتبال و مارک ویلموتس جست‌وجو کنید، هیچ نقطه مثبت و امیدوارکننده‌ای نمی‌بینید. از همان ثانیه اول جذب این مربی تا امروز، همه چیز مطلقاً اشتباه به نظر می‌رسد. قبل از هر چیز، باید به یک ابهام کلیدی فکر

کرد. اینکه فدراسیون در اوج مشکلات مالی به سراغ امضای یک قرارداد با چنین رقم‌هایی رفته است، در نوع خودش حیرت‌انگیز به نظر می‌رسد. اگر فدراسیون همان‌طور که دائماً تأکید دارد به لحاظ مالی با مشکلات بسیار زیادی روبه‌رو شده، معلوم نیست چه ضرورتی برای امضای یک قرارداد گرانبه‌ای احساس کرده و زیر بار چنین مساله‌ای

رفته است. آنها بعد از رفتن کی‌روش و آتش زدن همه مبلغ پاداش صعود به جام جهانی، عملاً در بساط نداشتند. فدراسیون حتی توانایی پرداخت حقوق ناچیز داورانش را هم نداشته اما یک قرارداد هشت میلیون یورویی امضا کرده است. از هر طرفی که به ماجرا نگاه کنیم، این موضوع اصلاً با عقل و منطق جور

در نمی‌آید. شاید مهدی تاج و روح‌فماهیادوار بودند تیم ملی یا ویلموتس به جام جهانی برود. آن وقت با استفاده از پاداش‌های فدراسیون حتی توانایی پرداخت حقوق بعدی فیفا، حقوق این مربی پرداخت می‌شد. به محض آن که شانس صعود این تیم به جام جهانی کاهش پیدا کرد، فدراسیونی‌ها عذر ویلموتس را خواستند اما قرارداد که آنها امضا کرده بودند، راه فراری برای فوتبال ایران

باقی نگذاشت. آقای رییس دانا تکرار می‌کرد که همه چیز را به دقت لحاظ کرده‌ام، قرارداد کارلوس کی‌روش درس گرفته، ضعف‌های قبلی را برطرف کرده و یک قرارداد «فوق‌العاده» را به امضا رسانده است. اما متنی که در روز نفرینی جذب ویلموتس امضا شد، تماماً به ضرر فوتبال ایران بود. یک قرارداد افتضاح که آینده تیم ملی را در معرض یک مخمصه تاریخی قرار داد.

از هر زاویه‌ای که به ماجرا نگاه کنیم، این یک خیانت تاریخی است. اگر توانایی بستن یک قرارداد ساده را هم ندارید، قرار گرفتن در اصلی‌ترین نهاد مدیریت فوتبال کشور، چیزی به جز خیانت نیست. رقم قرارداد مارک ویلموتس، هیچ ارتباطی با رزومه این مربی ندارد. ما یک مرد شکست خورده را با قیمت یک مرد قهرمان جذب کردیم. ما یک مربی بازنده را به قیمت یک مربی بزرگ به خدمت گرفتیم.

ویلموتس مدت‌ها غیبت کرد و خیلی دیر به اردوی تیم ملی رسید اما فدراسیون حتی نتوانست او را به اندازه یک دلاجریمه کند. چرا که قرارداد ننگین و شرم‌آور، عملاً دست و پای فدراسیون فوتبال را بسته بود. در مقابل، ویلموتس به ازای چند شکست

در ناک، میلیون‌ها دلار از فدراسیون طلبکار شد. او بازی را خیلی خوب بلد بود اما در ایران، هیچ‌کس نتوانست جلوی این بازی شوم را بگیرد. فدراسیونی‌ها تا می‌توانستند پنهانکاری کردند. آنها حتی اجازه ندادند بندهای شوم این قرارداد، به مراجع دیگر راه پیدا کند. آنها حتی اجازه ندادند بندهای شوم این قرارداد، در داخل کشور به وقت مورد بررسی قرار بگیرد. چرا که می‌دانستند اگر این بندها فاش شوند، آینده خودشان قبل از همه تباه خواهد شد. مهدی تاج بدون آن که پاسخ این فاجعه بزرگ را بدهد، به پنهان‌بیماری از فدراسیون فوتبال رفت و حیدر بهاروند جایگزین او شد. حتی علی کفاشیان به دلیل تخلف در محرومیت به

قبلا دو میلیون یورو به ویلموتس پرداخته ایم و حالا باید ۶ میلیون یورو دیگر به این مربی بازنده تقدیم کنیم. این رسوایی تاریخی، حاصل کار مدیرانی است که در زمان امضای قرارداد به جای مدیران حقوقی، تاجران شکر را همراه خود داشتند

سر می‌برد، پس از مدتی بدون مشکل به فدراسیون فوتبال برگشت و دوباره مشغول به کار شد. راه فدراسیون به همان شیوه قبلی ادامه پیدا کرد اما این قرارداد، ننگی نبود که به همین راحتی از پیشانی‌ها پاک شود. این یک جور تر کمانچای مسدن برای فوتبال ایران است. ضرری که در این قرارداد بد به فوتبال ایران تحمیل شده، حتی از جنگ‌ها و زلزله‌ها هم بیشتر به نظر می‌رسد. این یک خطای انسانی است که مسببش اش، حتی یک خط‌عذرخواهی هم نمی‌کنند. این یک رسوایی بزرگ است که عواملش، حتی مسئولیت کارشان را هم نمی‌پذیرند.

فوتبال ایران، این پرونده را به دادگاه عالی ورزش می‌برد، حدود یک سال طول می‌کشد تا رسیدگی به این پرونده صورت بگیرد و پس از آن به احتمال زیاد با تأیید محرومیت، علاوه بر هزینه‌های دادگاه عالی ورزش، باید جریمه‌های دیگر پرداخت بدهی ویلموتس را نیز پرداخت کنیم. این قرارداد در دست مثل یک باتلاق است که فوتبال ایران را به طور کامل می‌بلعد. بدون شک در یک شرایط عادی، این ۶ میلیون دلار باید از جیب کسانی برود که امضای شان پای این قرارداد دیده می‌شود. جماعتی که به لطف حضور در فوتبال، آنقدر صاحب ثروت شده‌اند که مشکلی برای پرداخت این رقم هانداشته باشند!

چهره به چهره

ویلموتس، مرد منفور میلیون دلاری!

گران‌ترین درخت تاریخ

آزباطری

مارک ویلموتس به ما لیخنزد زد. مارک ویلموتس با سوءاستفاده از عبارات فوتبال هجموی، به ما رو با فروخت. مارک ویلموتس یک درخت در ایران کاشت اما پول میلیون‌ها اصله درخت را از کشور خارج کرد. ویلموتس یک سسارق بزرگ بود و یک مربی کوچک. او خیلی خوب فوتبال ایران را شناخت و به ساده‌ترین شکل ممکن از ضعف فدراسیون برای پر کردن جیب‌هایش استفاده کرد. او حالا دیگر برای همیشه، یک چهره فوق‌العاده منفور برای فوتبال ایران خواهد بود. اما سرزنش اصلی، همواره باید سهم کسانی باشد که اجازه دادند او به همین سادگی، داری‌های داشته و نداشته ما را به غارت ببرد.

سرسازی که در جنگ، میدان را برای جولان دشمن مهیا می‌کند «خیانتکار» است. این را در همه کتاب‌های تاریخ در مقاطع مختلف تحصیلی نوشته‌اند. ما میدان را برای مارک ویلموتس خالی کردیم. ما با یک قرارداد فاجعه‌بار، به او اجازه دادیم که هر چه می‌خواهد، بر دارد و با خودش ببرد. او شاید در زمین فوتبال، برنده نباشد اما بیرون از زمین، بدجوری فدراسیون فوتبال را در مسیر یک

اتفاق روز

قاتلان بارسا و پپ به هم رسیدند

غول و غول‌کش!

۱۰ سال بعد از آخرین تجربه حضور در نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان، لیون دوباره بخشی از این مرحله است. آنها در آخرین نیمه‌نهایی شان پیش از این فصل هم روبه‌روی بایرن مونیخ قرار گرفته بودند. تیم لوئیس فان خال در سال ۲۰۱۰، لیون را به راحتی کنار زد و به فینال اروپا رسید و پس از یک دهه، شاگردان رودی گارسیا برای انتقام گرفتن با یک نسل جدید و جوان به زمین مسابقه قدم خواهند گذاشت. دو تیم، نمایش‌های متفاوتی را در این فصل از لیگ قهرمانان داشته‌اند. بایرن در اوج اقتدار از گروهش صعود کرد و لیون

یسورو از یک تیم بگیرند. ویلموتس، همه دندان‌های فدراسیون را شمرده بود. او قواعد بازی را می‌دانست. خیلی هم خوب می‌دانست. مارک شاید در زمین یک مربی تاکتیکی نباشد اما بیرون از زمین، با بهترین تاکتیک روبه‌روی فدراسیون فوتبال قرار گرفت.

ویلموتس با بالا رفتن از نردبان نادانی و ضعف مدیران تصمیم‌ساز فوتبال ایران، جای برد و باخت را با هم عوض کرد. او قبل از دیدار با عراق تا آخرین لحظات حاضر به سفر به تهران نبود. او برای دریافت دستمزدش، روی آینده تیم ملی قمار کرد. او دستمزدش را هم گرفت اما تیم ملی را عملاً در بن‌بست قرار داد. حالا همه مشغول سرزنش این مربی بودند. چه خوش خیال بودیم که تصور می‌کردیم در این پرونده، تاج و رفا دست بالا را خواهند داشت. چه خوش خیال بودیم که تصور می‌کردیم جدایی ویلموتس، به هیچ وجه به لحاظ مالی به ضرر فوتبال ایران نمی‌شود. اگر از چشم‌های او این روایت را ببینیم، همه چیز به شدت منطقی به نظر می‌رسد. مسارک کارش را در فوتبال ایران در حالی آغاز کرد که از همان ابتدا، موج بدقولی‌های فدراسیون فوتبال شروع شد. او به واسط شغل همسرش یعنی وکالت، به خوبی خلاه‌های قانونی فدراسیون را شناخت و با یک نقشه در دست و حسابی، از هر حرکت اشتباه مهدی تاج به نفع خودش استفاده کرد. ثابت کردن خطای فدراسیون در فیفا، کار چندان راحتی نبود اما همه ادعاهای

می‌دهد. لیونی‌ها هم در زمین تیم بسیار باهوشی هستند. تیمی که به خوبی دفاع می‌کند و تک فرصت‌ها را هم به سادگی از دست نمی‌دهد. بایرن در حمله بی‌ظنیر است و لیون هم با روش ضدحمله، امیدوار است تا به حریف ضربه بزند. این یک تقابل فوق‌العاده جذاب و تماشایی خواهد بود. قاتلان بارسا و پپ گوار دیولا در مرحله قبلی، امشب روبه‌روی هم قرار می‌گیرند تا سرنوشته دومین فینالیست لیگ قهرمانان هم مشخص شود. روی کاغذ، بایرن به خاطر فرام‌دوبویی این روزها، آمادگی بیش از حد بازیکنانی مثل لواندوفسکی، نیمکت ذخیره‌های درخشان و نقشه‌های هانس فلیک، شانس بیشتری برای برنده شدن خواهد داشت اما نباید فراموش کرد که تیم رودی گارسیا هم در زمین مسابقه، کاملاً تیم باهوشی است. آنها در کنار همه



دیدارهای تدارکاتی شود. حالا اما این پول باید صاف برود توی جیب سرمربی سابق تیم ملی. در اولین عکس‌ها پس از امضای قرارداد سرمربی تیم ملی، بعضی‌ها لیخنزد می‌زدند. بعضی‌ها هم مثل ماز یسار ناظمی، توثیت می‌کردند و از «خطرات خدمات» می‌گفتند. خدماتی که برای فوتبال ایران، بیش از حد گران تمام شدند. خاطراتی که چند نسل از بازیکنان تیم ملی را به مخاطره انداختند. ویلموتس اما آن روزها نمی‌خندید. توثیت هم نمی‌کرد. او منتظر ماند تا زمان درست از راه برسند. آن وقت صدای خنده‌های این مربی را هم شنیدیم. مردی که گران‌ترین درخت تمام تاریخ را کاشته است.

ستاره‌های جوانی که در اختیار دارند، از مهره‌های با تجربه‌ای مثل ممفیس دپبای و موسی دمبله بهره می‌برند. معمولاً گارسیا در ۶۰ دقیقه اول از دپبای و در ۳۰ دقیقه پایانی از دمبله استفاده می‌کند تا به بهترین شکل از این دو بازیکن در ترکیبش بهره‌برد. بردن بایرن هیچ‌کس را غافلگیر نمی‌کند اما پیروزی لیون، می‌تواند ادامه‌ای بر فصل شگفت‌انگیز و باورنکردنی ایس‌ن تیم در فوتبال اروپا باشد. همه چیز برای برگزاری یک نبرد دیدنی آماده به نظر می‌رسد. جدایی سرنوشته‌ساز برای هر دو باشگاه، بایرن با بی‌رحمی و لیون با هوش بالا، روبه‌روی هم قرار می‌گیرند. دو تیمی که در زمین فوتبال، فلسفه کاملاً متفاوتی را به نمایش می‌گذارند اما هر دو با یک هدف فوتبال بازی می‌کنند. برنده شدن و رسیدن به بزرگ‌ترین مسابقه باشگاهی این فصل از فوتبال اروپا.